

اعمال انسانی

هان کانگ

ترجمہ علی قانع



سرشناسه: کانگ، هان، Kang, Han

عنوان و نام پدیدآور: اعمال انسانی / هان کانگ؛ ترجمه علی قانع

مشخصات نشر: تهران، چترنگ، ۱۳۹۶

مشخصات ظاهری: ۲۰۰ ص.

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۸۰۶۶-۵۷-۶

وضعیت فهرست‌نویسی: فیبا

یادداشت: کتاب حاضر از متن انگلیسی اثر تحت عنوان «Human Acts: a Novel» به فارسی

برگردانده شده است.

موضوع: داستان‌های کراهی -- قرن ۲۰م.

شناسه افزوده: قانع، علی، ۱۳۴۰ - مترجم

رده‌بندی کنگره: ۱۳۹۶ ۷ الف/۷۵/۹۹۲ PL

رده‌بندی دیویی: ۸۹۵/۷۳۵

شماره کتابشناسی ملی: ۴۵۲۵۶۹۹



چترنگ

اعمال انسانی • هان کانگ • ترجمه علی قانع • رمان خارجی • ویرایش و نمونه‌خوانی: گروه ویرایش
نشر چترنگ • نوبت چاپ: اول، ۱۳۹۶ • ۱۰۰۰ نسخه • لیتوگرافی: باران • چاپ و صحافی: پژمان • کلیه حقوق برای
نشر چترنگ محفوظ است. • نشر چترنگ: تهران، خیابان نصرت غربی، پلاک ۵۸، طبقه دوم، واحد چهار • کد پستی:
۱۴۱۸۸۴۳۳۵۵ • تلفن: ۶۶۱۲۶۸۰۵ • شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۸۰۶۶-۵۷-۶ • www.chatrangpub.com



chatrangpublication



@NashrChatrang

مقدمه مترجم انگلیسی

اوایل سال ۱۹۸۰، کره جنوبی در نظامی قه‌ای بود برای شعله‌ور شدن. چند ماه پیش از آن، پارک چونگ‌هی، دیکتاتور نظامی، در آن زمان کودتایش در سال ۱۹۶۱ حکومت را در دست داشت، توسط رئیس سرویس‌های امنیت فوری ترور شد. ریاست بر آنچه «معجزه رودخانه‌هان» نامیده می‌شد - رشد سریع کره جنوبی از کشوری فقیر و جنگ‌زده به یک قدرت اقتصادی بزرگ - باعث جذب حمایت برخی از بخش‌ها و محافظ شد؛ هرچند موارد متعدد نقض حقوق بشر به این معنی بود که او هرگز نزد مردم کره جنوبی محبوبیت نداشته است. پارک در اواخر حکومت خود کامه‌اش تسلیم وسوسه‌های استبداد شد و طرح‌های سرکوب‌گرایانه‌ای را اجرا کرد، که شامل دست بردن در قانون اساسی، طبقه‌بندی، تنظیم قانون اساسی جدید می‌شد تا عملاً دیکتاتوری خود را هرچه بیشتر عملی کند. در آخر سال ۱۹۷۹، همه‌چیز روی لبه تیغ قرار داشت و اعلام حکومت نظامی از سوی رئیس‌جمهور پارک در پاسخ به تظاهرات جنوب کشور، نشانه آن بود که می‌بایست واکنشی نشان داد.

اما این ترور با خود دموکراسی به ارمغان نیاورد و در عوض، چان دوهوان که دست‌پرورده پارک بود به جای او نشست. او ژنرال ارتش با عقاید خشک و متعصب در امور کشورداری بود. با شروع ماه مه وی با سوءاستفاده از شایعه عملیات نفوذی کره شمالی، در سراسر کشور حکومت نظامی بر پا کرد. دانشگاه‌ها را تعطیل کرد، تمام فعالیت‌های سیاسی را لغو و آزادی‌های مطبوعاتی را محدودتر کرد. تقریباً دو دهه بعد

از مرگ پارک چونگ هی مردم کره جنوبی تازه متوجه این واقعیت شده بودند که دیکتاتور واقعی چه کسی است. در یکی از شهرهای جنوبی کره به نام گوانگجو، مسئله صنعتی شدن معجزه آسای کشور به قیمت کار در شرایط بسیار ناگوار تمام شد و اغلب کارگران به شمار تظاهرکنندگان و دانشجویان معترض پیوستند که همه این ها منجر به آگاهی سیاسی وسیع تری در بین اقشار مردم شد. نیروهای چتر باز فرستاده شدند تا به جای وهای، پلیس کنترل شهر را در دست بگیرند، اما خشونت و رفتار بی رحمانه آن ها علیه مردم غیر مسلح باعث افزایش نیروهای مردمی شد. این اتحاد آرامشی موقتی به وجود آورد که طی آن نیروهای چتر باز و حامیان شان از شهر عقب نشینی کردند.

تیراز زی ها، دوری و قهرمان پردازی ها، جنگ و گریز و داستان هاییل و قابیل - چیزهایی است که به دور فیلم های مربوط به قیام گوانگجو آمده و شاید نویسندگان تازه کار و سوسه شوند و کارشان را با همین ایده های به ظاهر پرکشش و جذاب شروع کنند. هان کانگ داستانش را با توصیف جسمانی در روی هم انباشته شده و بو گرفته اند شروع می کند، آن ها بدون هویت و نام و نشان دفن می شوند. نشان هنده معضلی هستی شناسانه و منطقی است. جایگزینی در ایده اصلی بین وازسی هم معنی، از «جسد» و «بدن مرده» تا «کالبد های بی جان» یا تنها «بدن» بیانگر نوعی عدم قطعیت و یادآور ماجرای آنتیگون است. در بستر فرهنگی کره جنوبی چنین باورهایی را می توان به جسم گایی و ایده یکپارچگی جسمانی ارتباط داد. به این معنی که خشونت وارده به جسد، نوعی تعرض به روح است و تمامیتی که به جسم داده می شود. در گوانگجو بعضی از جنازه ها به دلیل شایسته، جنایات و خشونت اعمال شده به آن ها قابل شناسایی نبودند، طوری که امکان برگزاری کفن و دفن و مراسم تدفین از طرف خانواده های کشته شدگان وجود نداشت.

این رمان همچنین در تعمق در پس زمینه های پیچیده جنبش هوادار دموکراسی به همان اندازه غیر عادی است. گرچه روش کانگ این بوده که به جای انتقال اطلاعات خطی و خشک تاریخی، وقایع را از راه تجربیات شخصیت ها به خواننده اش منتقل کند. بیشترین حجم عناصر طبقات اجتماعی که در این کار به چشم می خورد در لایه های

زیرین رمان پنهان است؛ مثل دختران کارگری که در اواخر ماجرا با هم متحد شدند و از عوامل انقلابی اصلی در این تغییر و تحول بودند که البته دولت مردان توانستند قیام را، به این بهانه که توطئه‌ای کمونیستی و جاسوس مآبانه از طرف کره شمالی است، در کمال بی‌رحمی و قساوت سرکوب کنند و به این شکل اعمال وحشیانه خود را قانونی و موجه جلوه بدهند. در فصل «زندانی» کتاب، توجه ویژه‌ای به نحوه بیان نویسنده داشته‌ام و امیدوارم که این شیوه بتواند سیاست‌های ظریف و پنهان فرد شکنجه‌شده‌ای را از طبقه کارگر نشان بدهد. او به خاطر رساله‌ی یک استاد دانشگاه مجبور به رویارویی مجدد با خاطرات دردناک گذشته می‌شود. همچنین در اینجا نیز بحث سیاست‌های جنسیتی وجود دارد. در پایان، کارگر گروهی انشعابی را به تصویر می‌کشد تا نشان دهد که با کارگران زن، در مقایسه با کارگران مرد، برخوردی بدتر و ناعادلانه‌تر می‌شود.

ویژگی بارز دیگر در این رمان نوعی توجه به اصل منطقه‌گرایی است. این اتفاقی نیست که اولین سروسداها و خشونت‌بارترین آن‌ها در جنوبی‌ترین نقطه شبه جزیره کره برمی‌خیزد، منطقه‌ای که تاریخچه‌ای طولانی در مخالفت با سیاست‌های سیاسی و اعتراض به دولت مرکزی دارد و می‌توان علت این امر را، که چرا شورشی‌ها و قیام‌ها با این شدت خشونت سرکوب شدند، در همین مقوله منطقه‌گرایی شرح داد؛ اینکه چگونه دولت توانست جزئیات دقیق شلوغی‌ها و آمار سرکوب‌ها را تا مدت‌های طولانی پنهان نگه دارد. نهایتاً در سال ۱۹۹۷ به صورت کاملاً رسمی یادبودی برای این کشتار برگزار کند. ولی این قتل عام‌ها و مدارک باقیمانده‌اش موضوع بحث برانگیزی است که تاکنون حل نشده باقی مانده است. در ابتدا، ابراز مخالفت با این آمار و ارقام که دولت انتشار داد منجر به دستگیری شده‌است. می‌شود، زیرا ارقام اعلام شده بسیار کمتر از آنچه بود که خبرنگارهای خارجی اعلام کردند و هیچ اصلاحیه‌ای صورت نگرفته بود. صرف نظر از بحث جغرافیایی، به لحاظ ذهنیت روانی هم گوانگجو آن قدر از سنول دور بود که منطقه‌ای دورافتاده به نظر می‌رسید. مانند ذهنیت روانی و بُعد مسافتی که لندن با ایرلند شمالی، در زمان قتل عام یکشنبه خونین معروف، داشت.

پیوند شخصی‌ها با این موضوع که خود متولد و بزرگ شده گوانگجو است، باعث شده تا همه چیز را به صورت فرایندی نهایتاً دردناک و ناراحت‌کننده در این رمان بگنجاند. او نویسنده‌ای است که همه چیز را از صمیم قلبش احساس می‌کند و این

نگرانی را دارد که تمامی تردیدها و تزلزل‌های موجود در اصل ماجرا حفظ شوند و از تحریک احساسات و غم و اندوه و شرمی که همشهری‌هایش متحمل شده بودند کاسته شود. یکدلی و همذات‌پنداری او از طریق «مادر پسرک» به ما منتقل می‌شود که با لهجه غلیظ گوانگجویی نوشته شده بود و برگردان دقیق آن به زبان انگلیسی غیر ممکن بود، چراکه لهجه‌های مناطق مختلف کره نه تنها از طریق واژه‌ها، که غالباً از طریق تفاوت‌های توری، نیز از یکدیگر مجزا می‌شوند. برای شخص من وفادار ماندن به ترجمه، بیشتر انتقاد بار معنایی و تأثیر روانی لحن آن بر خواننده است تا مباحث نحوی متن؛ بنابراین تلاش کردم تا از گونه‌های محاوره‌ای بهره ببرم که انتقال‌دهنده لحن گرم و صمیمی خانم کانگ باشد. هرچند در کار تا اندازه‌ای از لهجه یورک‌شایری استفاده کردم که آن را به حساب من به ترجم انگلیسی این کتاب بگذارید.

یکی از عناوین اصلی این رمان «قیام‌ها» بود. به همان اندازه که درباره قیام گوانگجو یک سری از واژه‌ها به وضوح در این کتاب مطرح شده، واژه‌هایی نیز از سراسر این رمان برمی‌خیزد که بیانگر طغیانی از جنس مایه‌گرند، همچون به پا خواستن، نمودار شدن، ظهور، سطح، جلو آمدن که انواع دیگری از قیام را بیان می‌کند. گذشته، مانند جنازه مرده‌ها، هنوز دفن نشده است. یکی از واژه‌ها کره‌ای «به یاد آوردن» با واژه «آمدن به سطح» هم‌معناست، یادآوری خاطره‌ای گنگ و مبهم که غالباً غیرعمدی در کتاب کانگ آمده است. در اینجا تاریخ‌شناسی بافت پیچیده‌ی دارد با آواورفتی ثابت میان گذشته و حال و القای حسی که مدام مداخله می‌کند یا بعداً با اشاره بر روی متن می‌اندازد. برش‌هایی در پاراگراف‌ها و عنوان‌هایی فرعی به متن ترجمه وارد شد تا این تغییرات زمانی را بدون اینکه موجب سردرگمی خواننده شود، حفظ کند.

در سال ۲۰۱۳، وقتی پارک گتون‌های، دختر پارک چونگ‌هی در مقام رئیس‌جمهوری بر سر کار آمد، گذشته‌ها رو شدند و زخم‌های کهنه برای اهالی گوانگجو، مثل هان کانگ، سر باز کردند. از این رو، رمان او پاسخی شخصی برای تحولات اخیر کشورش به حساب می‌آید که البته جنبه سیاسی هم دارد و نوعی یادآوری درباره اعمال انسانی است که همه ما قادر به انجامش هستیم، بی‌رحم بودن و شفیق بودن، پست بودن و رفیع بودن.